

The Mena tragedy and the right to international demands (Victimization of Iranian pilgrims)

Mena catastrophe was happened in 2nd Mehr month at 1394 solar year and it caused to killing more than 7000 pilgrims from 36 countries and 464 killed persons were from Iran who they went to Hadj ceremony in Saudi Arabia territory and this event was precede and beyond usual subject and also passing time can't forget it. Mal- management and inefficiency of Saudi Arabia in Hadj implementation according to historical experience cause to repeating pilgrims offense and legal effects in international arena. It is necessary to investigate Mena catastrophe with intentional case or Saudi Arabia government inefficiency; and another states international demanding about offense nationalities against it is studied with legal guidelines and it has draft capability in international preferences. Saudi Arabia didn't act about blood precious and killed persons damages. So in current study, we tried to investigate Saudi Arabia government responsibility and it's recognition terms with demanding right against Iranian offense pilgrims and determination legal preferences to claim and pretend.

Keywords: International Responsibility, Mina, Saudi Government, Pilgrims.

فاجعه منا و حق مطالبه گری بین‌المللی (بزه دیدگی زائران ایرانی)^۱

ابراهیم کاوسی قره قشلاقی^۲
 فاطمه احدی*^۳
 بابک پورقهرمانی^۴
 صالح رضایی^۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۵/۱۰
 تاریخ پذیرش: ۹۹/۷/۲۸

چکیده

حادثه منا در ۲ مهر ۱۳۹۴ و کشته شدن بیش از هفت هزار زائر از ۳۶ کشور (تعداد ۴۶۴ نفر از جان‌باختگان ایرانی بودند) که برای انجام مناسک حج به سرزمین عربستان عزیمت کرده بودند و در تاریخ حج و منا بی‌سابقه بوده، فراتر از یک مسئله معمولی است و گذشت زمان هم نمی‌تواند آن را به فراموشی بسپارد. سوء مدیریت و ناکارآمدی سران دولت عربستان در اداره حج به لحاظ سابقه تاریخی بارها منجر به بزه دیدگی زائران گردیده. در واقع حادثه منا در راستای حمایت از حقوق بزه دیدگی زائران متضمن آثار حقوقی در عرصه بین‌المللی است. آنچه که مهم و ضروری بوده این است که اگر حادثه منا به صورت عمدی و یا ناشی

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان (مسئولیت سران دولت ها در قبال بزه دیده گی زائران: مطالعه موردی فاجعه منا ی سال ۱۳۹۴) در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه می باشد.
۲. دانشجوی دکترای تخصصی حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران؛ k.ebrahim1358@gmail.com
۳. استادیار حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران (نویسنده مسئول)؛ Ahadi_223@yahoo.com
۴. دانشیار حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران؛ b.pourghahra-mani@yahoo.com
۵. استادیار حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران؛ Srezaie_p@aeoi.org.ir

از بی‌مبالاتی دولت سعودی واقع‌گردیده، حق مطالبه‌گری بین‌المللی دولت‌ها از اتباع بزه‌دیده خویش علیه دولت سعودی با توجه به کدامین سازوکارهای حقوقی قابلیت طرح در مراجع بین‌المللی می‌باشد. خصوصاً اینکه دولت سعودی تاکنون اقدامی در خصوص پرداخت دیه و خسارت جان باختگان ننموده است، از این رو در مقاله حاضر سعی کرده‌ایم مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان و شرایط تحقق آن و حق مطالبه‌گری در قبال بزه‌دیدگی زائران ایرانی و تعیین مراجع ذیصلاح جهت طرح و اقامه دعوی را مورد بررسی قرار دهیم.

کلید واژگان: مسئولیت بین‌المللی، منا، دولت عربستان، زائران

۱- مقدمه

در ۲ مهر ۱۳۹۴ (برابر با ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۵ میلادی و ۱۰ ذی‌الحجه ۱۴۳۶ هجری قمری) در هنگام برگزاری مراسم حج، در جریان حرکت حجاج به سمت سرزمین منا برای ادای فریضه رمی جمرات (سنگ زدن به شیطان) و مناسک قربانی کردن احشام، سیل عظیمی از مردم در مسیرهای پیچ در پیچ در حال حرکت به سوی منا بودند. به واسطه تدابیر امنیتی اتخاذ شده برای ادای اعمال حج از سوی وزیر دفاع کشور عربستان محمدبن سلمان (فرزند پادشاه عربستان) به همراه ۱۵۰ نیروی نظامی و دهها وسیله نقلیه، خیابان‌های محل تردد حجاج برای عزیمت به سوی منا از سوی نیروهای امنیتی مسدود شد. فشار ناشی از ازدحام جمعیت زائرانی که از خیابان ۲۲۳ به سمت خیابان ۲۰۴ در حال حرکت بودند، سبب شد عده‌ای به ناچار از روی دیگران عبور کنند و تعداد قابل توجهی به دلیل زیر دست و پا مانده و عدم مراقبت‌های پزشکی جان خود را از دست بدهند و تعداد قابل توجهی نیز از حجاج به دلیل خستگی بیش از حد توقف حرکت، تشنگی و دمای بالای هوا، و عدم امکان نفس کشیدن بیهوش شدند. به طوریکه بیش از هفت هزار تن از حجاج مسلمان از ۳۶ کشور که برای انجام مناسک حج به سرزمین عربستان عزیمت کرده بودند کشته و مجروح شدند. مطابق اطلاعیه سازمان حج و زیارت جمهوری اسلامی ایران، حدود ۴۶۴ نفر از این جان باختگان ایرانی بوده‌اند. فاجعه منا در سال ۱۳۹۴ بزرگ‌ترین فاجعه در منطقه منا طی تاریخ برگزاری مناسک حج بوده است. پیش از این، چندین فاجعه مشابه در سال‌های قبل، به وقوع تلفات حجاج منجر شده است. در سال ۱۳۳۵ شمسی در منا به دلیل رعایت نشدن اصول بهداشتی، آنفولانزای فراگیر، شیوع یافت و افراد بسیاری را به کام مرگ فرستاد از جمله چهارده ایرانی در منا درگذشتند؛ کشتار حجاج مصری در منا (در سال ۱۳۰۵ ش، ۱۳۴۴ ق)، که تعداد زیادی از ایشان را در منا به علت حرام دانستن برخی از اعمال آنان، بی‌رحمانه قتل عام کردند (امین، سیدمحسن، ص ۵۲). کشته شدن تعدادی از حجاج (در سال ۱۳۸۹ ق / ۱۳۴۸ ش) در این سال در مسیر باریک «سوق‌العرب» منا، به دلیل ازدحام جمعیت و اتوبوس‌ها، هشت نفر از حجاج زیر دست و پا تلف شدند (محمدی ری شهری، محمد ۱۳۸۳، ص ۱۲۴). آتش‌سوزی (در سال ۱۳۹۵ ق / ۱۳۵۴ ش) در این سال آتش‌سوزی مهیبی در منا رخ داد که عمده دلیل

آن انفجار کپسول‌های گاز و باک بنزین اتومبیل‌ها بود و طبق آمارهای اعلام شده، ۱۱۵۰۰ خیمه در این حادثه سوخت. - حادثه تونل منا (در سال ۱۴۱۰ ق/ ۱۳۶۹ ش) که در این سال حجاجی که از طریق این تونل به سمت منا می‌رفتند به علت خراب شدن دستگاه‌های تهویه و در نتیجه کمبود هوا و گرما از یک طرف و فشار و ازدحام جمعیت، تعداد ۱۴۰۰ حاجی، جان خود را از دست دادند (علیزاده موسوی، سید مهدی ۱۳۸۲، ص ۱۶۰)؛ کشته شدن ۳۰۰ نفر در ازدحام (سال ۱۴۱۴ ق/ ۱۳۷۳ ش)؛ آتش‌سوزی در منا (در سال ۱۴۱۵ ق/ ۱۳۷۴ ش) در این سال نوزده هزار چادر مربوط به کشورهای آسیای میانه و عربی از بین رفت و سه نفر کشته شدند و ۹۹ نفر مجروح برجای ماند (محدثی، جواد ۱۳۷۴)؛ کشته شدن ۱۰۸ الی ۱۱۸ نفر از حجاج در پل جمرات (در سال ۱۴۱۸ ق/ ۱۳۷۷ ش)؛ کشته شدن تعداد ۳۵ نفر از حجاج در جمرات در اثر ازدحام جمعیت (در سال ۱۴۳۱ ق/ ۱۳۸۰ ش)؛ فاجعه جمرات (در سال ۱۴۲۴ ق/ ۱۳۸۲ ش) در این سال در اثر ازدحام و هجوم جمعیت فراوان به بالای پل جمرات و فشارهای مردم که باعث کشته شدن ۲۴۴ تا ۲۵۰ نفر و بیش از ۲۰۰ زخمی گردید؛ جان باختن تعداد ۲۵۱ نفر از حجاج در اثر ازدحام جمرات منا (در سال ۱۴۲۵ ق/ ۱۳۸۴ ش)؛ جان باختن تعداد ۳۶۳ نفر از حجاج در ازدحام رمی جمرات (در سال ۱۴۲۶ ق/ ۱۳۸۴ ش) که هفت زائر ایرانی نیز جزء جان باختگان بودند (نجاتی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۱)؛ و آخر الامر فاجعه منا که عمق آثار فردی و اجتماعی، داخلی و بین‌المللی آن فراتر از یک مسئله معمولی است و گذشت زمان هم نمی‌تواند آن را به فراموشی بسپارد. این فاجعه آنگاه عمیق‌تر خود را نشان می‌دهد که با دولتی باید طرف شد که علیرغم ادعاهای زیاد به ابتدایی‌ترین قواعد حقوقی اعتقادی ندارد. حادثه منا به عنوان یک پدیده تاریخی و کیفری متضمن آثار حقوقی در عرصه بین‌الملل است. مباحث مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولتها از جمله مباحث کهن حقوق بین‌الملل است که برای حمایت بیشتر از حقوق بیگانگان توسعه یافته این مباحث امروزه به عنوان اصول کلی حقوق بین‌الملل عام مطرح است و دامنه آن نیز بسیار فراتر از حمایت از حقوق بیگانگان گسترش یافته به نحوی که از دکترین مسئولیت بین‌المللی دولتها برای ترویج قواعد عام حقوق بشری نیز استفاده می‌شود. یکی از شاخه‌های مهم حقوق بین‌الملل که در ارتباطی تنگاتنگ با همه شاخه‌های حقوق بین‌الملل و قواعد آن

معمولاً جنبه عرفی دارد، حقوق مسئولیت بین‌المللی است. در تلاش برای تدوین قواعد عرفی مزبور، کمیسیون حقوق بین‌الملل مسئول تهیه طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولتها برای اقدامات متخلفانه بین‌المللی شد. طرح نهایی تهیه شده از این شانس برخوردار نشد که تبدیل به یک کنوانسیون بین‌المللی شود ولی از آنجائیکه این طرح تا حدود زیادی انعکاس دهنده جنبه عرفی بین‌المللی در حوزه مسئولیت دولتهاست. همچنان بر همه شاخه‌های حقوق بین‌الملل سایه افکننده است. قواعد مسئولیت دولت در طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت در سال ۲۰۰۱ تدوین شده است که انعکاس حقوق بین‌الملل عرفی و برای همه دولتها الزام آور است، در این طرح چنین آمده که هر عملی متخلفانه بین‌المللی دولت، مستلزم مسئولیت بین‌المللی آن دولت است. (آذری آغاجری، ۱۳۸۸، ص ۳).

۲- مفهوم شناسی

۲-۱- مسئولیت بین‌المللی دولتها

بر اساس ماده یک مواد طرح مسئولیت بین‌المللی دولت هر عمل متخلفانه بین‌المللی دولت مسئولیت بین‌المللی آن دولت را به دنبال خواهد داشت یعنی نقض حقوق بین‌الملل از سوی یک دولت موجب مسئولیت بین‌المللی آن می‌گردد یک تخلف بین‌المللی دولت ممکن است مرکب از یک یا چند فعل یا ترک فعل یا ترکیبی از هر دو باشد برای احراز مسئولیت بین‌المللی یک دولت باید ابتدا تخلف بین‌المللی آن دولت مشخص گردد. بر اساس ماده ۲ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت تخلف بین‌المللی یک دولت زمانی محرز می‌گردد که فعل یا ترک فعل تشکیل دهنده اقدام الف) طبق حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن دولت باشد و ب) موجب نقض یک تعهد بین‌المللی آن دولت باشد. در واقع ماده ۲ شرایط ضروری برای احراز تخلف بین‌المللی دولت یعنی عناصر متشکله آن را مشخص می‌کند که مرکب از دو عنصر است: اول اینکه اقدام مورد بحث باید طبق حقوق بین‌الملل قابل انتساب به دولت باشد و دوم اینکه برای موجب مسئولیت شناخته شدن اقدام دولت باید آن اقدام منجر به نقض یک تعهد قانونی بین‌المللی که در زمان ارتکاب اقدام مورد بحث نسبت به دولت معتبر بوده است، شده باشد. لازم به ذکر است یک دولت نمی‌تواند با ادعای اینکه

اقدامش، طبق مقررات حقوق داخلی آن صورت گرفته است از توصیف اقدام خود به عنوان تخلف بین المللی طبق حقوق بین الملل رهایی یابد. عمل ارتكابی دولت اگر نقص یک تعهد بین المللی باشد باید به عنوان تخلف بین المللی توصیف شود ولو اینکه مغایر حقوق داخلی آن دولت نبوده و یا حتی اگر دولت طبق قوانین داخلی واقعا مجبور به ارتكاب چنان اقدام هم بوده باشد (ماده ۳ طرح مسئولیت بین المللی دولت). همچنین در سطح بین المللی اقدام منتسب به دولت فقط اقدامی است که از سوی نهادهای حکومتی آن یا کسانی دیگری که تحت راهنمایی، تحریک یا فرمان آن نهادها یعنی در مقام مامورین دولتی عمل می کنند، صورت گرفته باشد. در نتیجه اقدام اشخاص خصوصی به این عنوان قابل انتساب به دولت نیست (نصرت الله حلمی ۱۳۹۵ ص ۵۳) دولت فقط در قبال اعمال و رفتار خلاف موازین حقوق بین الملل خود و نمایندگان خود مسئول واقع می شود. با وجود این اگر اشخاص خصوصی به صورت رسمی و قانونی از طرف دولت و یا عملاً به نمایندگی از او اقدام نمایند اعمال آنها منتسب به دولت خواهد بود. همچنین اگر اشخاص خصوصی، نمایندگی از سوی دولت داشته و در سمت نماینده دولت اقدام نموده باشند. عمل آنها قابل انتساب به دولت است. این مفهوم از بند ۲ ماده ۷ طرح مسئولیت بین المللی دولت مصوب ۲۰۰۱ مستفاد میشود. بند مذکور مقرر میدارد «اقدام اجزای تابعه یک واحد که جزء تشکیلات رسمی یا واحدهای تابعه داخلی نیستند، اما به موجب قوانین داخلی صلاحیت اعمال بخشی از اختیارات دولتی را دارند طبق مقررات حقوق بین الملل به عنوان عمل دولت شناخته میشوند، مشروط بر آنکه در مسأله مطروحه خود اقدام کرده باشند». بر این مبنا کمیسیون حقوق بین الملل در ماده ۸ طرح مذکور بیان میدارد: «رفتار شخص یا گروهی از اشخاص در صورتی طبق حقوق بین الملل، عمل دولت تلقی خواهد شد: الف) معلوم شده باشد این شخص یا گروه اشخاص در واقع از جانب آن دولت عمل می کرده اند. ب) این شخص یا گروه اشخاص در واقع بخشهایی از اقتدار حکومتی را در غیاب مقامات رسمی و در شرایطی اعمال کرده باشند که اعمال آن بخشی از اقتدار را توجیه کند» با اینکه دولت مسئول اقدامات و اعمال اشخاص خصوصی نیست، اما در شرایطی ممکن است کارهای خلاف این اشخاص موجبات و زمینه مسئولیت بین المللی دولت را فراهم کند. بدین صورت که امکان دارد اعمال اشخاص خصوصی نوعی

فعل یا ترک فعل دولت باشد که در حالت اخیر دولت مسئول آن اعمال میباشد.

۲-۲- حق مطالبه‌گری بین‌المللی

حادثه منا به عنوان یک پدیده تاریخی و کیفری، متضمن آثاری حقوقی در عرصه بین‌المللی است. هر چند ذینفع اصلی این حادثه دلخراش، جان باختگان و خانواده‌های آنان بوده‌اند اما کشورهای متبوع این قربانیان نیز ذیحق قلمداد شده و حق مطالبه‌گری داشته‌اند. دولت‌ها به‌طور تاریخی و ذاتی از اتباع خود حمایت می‌کرده‌اند و در صورتی که مطالبه مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف، مستقیماً قابل طرح نباشد، لازم است که دولت متبوع آنها در چارچوب حمایت دیپلماتیک، از آنان حمایت حقوقی به عمل آورد. این حمایت و مطالبه‌گری دولت‌ها از جمله ایران، در خصوص فاجعه منا به دو صورت قابل طرح است، اول طرح مسئولیت بین‌المللی عربستان از سوی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نقض تعهدات عربستان در برابر ایران و دوم طرح مسئولیت بین‌المللی عربستان از سوی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نقض تعهدات عربستان در برابر اتباع ایران که در این حالت طرح مسئولیت در چارچوب حمایت دیپلماتیک صورت می‌گیرد. و از آنجایی که امکان توسل اشخاص خصوصی به مراجع بین‌المللی برای طرح مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف علی‌القاعده وجود ندارد. دعوی از یک مخاصمه خصوصی به دعوای بین‌المللی تبدیل خواهد شد. و مطابق ماده یک طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، چنانچه دولت متخلف، یک تعهد بین‌المللی نسبت به بیگانگان را در خاک خود نقض کند، دولت‌ها مختار هستند مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف را طبق حقوق خود یا حقوق اتباع خود در مراجع ذیصلاح بین‌المللی مطرح و مطالبه نمایند.

۳- قابلیت انتساب وقایع منا به دولت عربستان

قابلیت انتساب نقض تعهدات بین‌المللی به دولت، رکن حیاتی مسئولیت دولت محسوب میشود. زیرا، ماهیت نیابتی مسئولیت دولت انتساب اعمال ارکان دولت را به آن گریزناپذیر میکند. در واقع دولت، شخص حقوقی است که اعمال آن توسط ارکان تحت اداره اشخاص

متبوع آن اداره میشود. از این رو، مسئولیت دولت در حقوق بینالملل برخلاف مسئولیت افراد در حقوق داخلی که مسئولیت اصیل محسوب میشود، دارای ماهیت نیابتی است. در قضیه مورد بررسی، انتساب اعمال مقامات مسئول اداره کننده اعمال حج به دولت عربستان دشوار به نظر نمیرسد. مطابق اصل مندرج در بند نخست ماده ۳ طرح مسئولیت دولت به موجب حقوق بینالملل، اعمال هر ارگان دولتی به آن دولت منتسب خواهد شد. مطابق بند ۲ این ماده، ارگان شامل هر شخص یا نهادی است که آن وضعیت را به موجب حقوق داخلی دارد. مطابق وبگاه رسمی دولت عربستان سعودی، وزارت حج و اوقاف در سال ۱۳۸۱ هجری قمری با هدف نظارت بر امور حج و اوقاف، حرمین شریفین و مساجد، تأسیس شد. در سال ۱۴۱۴، بخش اوقاف با ایجاد وزارتخانه‌های جدید مستقل شد. بخش باقیمانده «وزارت حج» نامیده میشود که وظیفه‌اش اعمال سیاستهای دولت در زمینه خدمت به میهمانان خدا میباشد. مطابق مصوبات شورای وزیران این کشور وظایف متعددی برعهده این وزارتخانه گذاشته شده است که با توجه به وقایع این پرونده، موارد زیر قابل توجه هستند: پذیرش حجاج حج تمتع و عمره، اطمینان از در دسترس بودن امکانات کافی و مجاز برای حجاج، نظارت بر اجرا و عدم کفایت این خدمات و نتایج ناشی از آن و اعمال مجازاتهای انتظامی مطابق مقررات، دریافت شکایات حجاج و حل فوری آنها، نظارت میدانی و الکترونیکی بر نرخ ورود و خروج حجاج از کشور عربستان، نظارت بر گردهمایی زائرین در زیارت اماکن مقدس، نظارت بر گردهمایی زائران در هنگام طی پل جمرات در هماهنگی با مقامات مرتبط، نظارت بر گردهمایی زوار در حال خروج از تمتع و راهنمایی حجاج گم شده با هماهنگی با انجمن دیدبان عربستان سعودی، نگاهی به وظایف فوق به خوبی ارتباط حوادث منا را با وظایف حج عربستان مشخص میکند و همانطور که گفته شد بتردید اعمال ارکان دولتی به دولت منتسب میشود زیرا تردیدی در ارگان دولتی بودن وزارتخانه مزبور وجود ندارد. (عبداللهی: ۱۳۹۴؛ ص ۱۱) لازم به ذکر است دولت عربستان از سال ۲۰۱۰ تأمین امنیت مراسم و مناسک حج را به شرکت خصوصی و امنیتی انگلیسی بهنام G&S واگذار کرده است. بنابراین، واگذاری تأمین امنیت مناسک حج به شرکت خصوصی G&S مشکلی در انتساب اعمال متخلفانه ادعایی در حادثه منا به دولت سعودی ایجاد نمیکند. چرا که مطابق ماده ۵ طرح مسئولیت سال ۲۰۰۱

کمیسیون حقوق بینالملل، اعمال متخلفانه شخص یا رکن غیردولتی در صورتی به دولت واگذارنده منتسب خواهد شد که شخص یا نهاد مزبور در آن مورد خاص و در همان ظرفیت عمل نموده باشد.

۳-۱- نقض تعهدات بینالمللی توسط دولت عربستان

رکن دوم مسئولیت بینالمللی دولت، نقض تعهدات بینالمللی آن دولت است. از این رو، شناسایی تعهدات لازمالاجرا میان دو دولت ایران و عربستان در هنگام حادثه منالازم و ضروری خواهد بود.

۳-۲- تعهدات دولت عربستان بر اساس حقوق بینالملل

تعهداتی که به موجب حقوق و اسناد بینالمللی میتواند در مورد وضعیت زائران ایرانی متوجه دولت عربستان گردد، شامل تعهدات دو جانبه و تعهدات چند جانبه و عام خواهد بود.

۳-۲-۱- تعهدات دو جانبه

تعهدات دو جانبه دولتها درباره حقوق اتباع خارجی میتواند از اصل رفتار متقابل برگرفته باشد. که در سه شکل قانونی، عملی یا سیاسی بروز میکند (نصیری ۱۳۷۵، ص ص ۹۲ - ۹۴) از بدو تأسیس حکومت آل سعود تاکنون شش موافقتنامه دو جانبه میان ایران و عربستان سعودی منعقد شده است که نخستین آنها در سال ۱۳۰۸ و آخرین آن به سال ۱۳۸۶ مربوط بوده است (شاکریان و فقیری، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ص ۲۲۴ - ۲۲۷) از میان این موافقتنامههای دو جانبه فقط معاهده ۱۳۰۸ موسوم به عهدنامه مودت، به شکل مستقیم به موضوع حقوق اتباع طرفین متعاهد و به طرز خاص رفتار عربستان سعودی با حجاج ایرانی مربوط است. البته برخی مقررات موافقتنامه های دیگر نیز بطور غیرمستقیم میتواند درباره مسائل مربوط به حجاج مورد استناد واقع شود.

أ- عهدنامه مودت ۱۳۰۸: دوم شهریور ۱۳۰۸ مصادف با هجدهم ربیعالاول ۱۳۴۸، پیماننامه های دارای پنج ماده میان دو کشور ایران و عربستان - در آن زمان به مملکت حجاز،

نجد و ملحقات آن گفته میشد. در تهران منعقد شد. و پس از تصویب آن در مجلس شورای ملی ایران (نوزدهم دی ۱۳۰۸) اسناد آن در نوزدهم خرداد ۱۳۰۹ در جده مبادله شد و در مرداد همان سال به بایگانی جامعه ملل فرستاده شد. در این پیماننامه پس از تأکید بر صلح خللناپذیر و دوستی صمیمانه میان دو دولت و اتباع آنها، ضرورت بهکارگیری تمامی مساعی طرفین بر استمرار و استحکام روابط مزبور، توافق شده است (ماده ۱). همچنین نسبت به مبادله نمایندگان سیاسی و کنسولی و رفتار با آنان طبق قواعد و رسوم حقوق بینالملل عمومی، ابراز تمایل شده است (ماده ۲). آنگاه در ماده ۳ این عهدنامه که متضمن مهمترین بخش از مقررات آن میباشد. اینگونه توافق شده است: «هر یک از طرفین معظمین متعاهدین متعهد میشود که اتباع طرف متعاقد را در مملکت خود از جمیع حقوق و مزایایی که اتباع دولت کاملالوداد از آن بهره‌مند میگردند، برخوردار سازد. حکومت اعلیحضرت پادشاه حجاز، نجد و ملحقات آن متعهد میگردد که نسبت به حجاج ایرانی از هر حیث مثل سایر حجاجی که به بیتاللهالحرام میروند، معامله و رفتار کرده و اجازه ندهند که نسبت به حجاج ایرانی در ادای مناسک حج و فرایض دینی آنها هیچگونه مشکلاتی ایجاد شود و نیز متعهد مینماید که وسایل امنیت و آسایش و اطمینان آنها را فراهم سازد.» همانگونه که ملاحظه میشود، در این موافقتنامه علاوه بر اینکه شرط ملل کاملالوداد مبنای رفتار با اتباع متعاهدان در قلمرو یکدیگر اعلام شده است. که طبعاً بیشترین حقوق و حمایت را برای اتباع آنان ایجاد میکند، آشکارا بر تعهدات دولت عربستان نسبت به حسنرفتار و تعامل با حاجیان ایرانی و تأمین موجبات رفاه، آسایش و آرامش آنان برای انجام مناسک حج تأکید کرده است. گفتنی است از آنجاییکه تاکنون هیچیک از متعاهدان مدعی فسخ، نسخ یا بیاعتباری این پیماننامه نشده است همچنان به اعتبار خود باقی و برای طرفین لازمالرعایه است. ضمن اینکه طرفین نسبت به تکمیل مذاکرات و عقد قراردادهای سیاسی، تجاری و اقتصادی و مانند آن، ابراز تمایل کردند (ماده ۴ عهدنامه مودت).

ب- موافقتنامه فرهنگی ایران و عربستان سعودی: موافقتنامه فرهنگی ایران و عربستان سعودی که در تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۴۶ (۱۴ نوامبر ۱۹۶۷) در تهران به امضای نمایندگان مختار دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عربستان رسید شامل برخی تعهدات است که

میتواند به روابط دو دولت درباره مسائل حج ارتباط یابد. از جمله تعهد طرفین به بذل کمال اهتمام در توسعه روابط فرهنگی و از این رهگذر، تشیید و تقویت روابط و مناسبات معنوی میان دو دولت (ماده یک).

ج- موافقتنامه همکاریهای همهجانبه: سومین موافقتنامه دوجانبه میان دو دولت ایران و عربستان به همکاریهای اقتصادی، بازرگانی، سرمایهگذاری، فنی، علمی، فرهنگی، ورزشی و جوانان مربوط است. این موافقتنامه، نخستین پیمانی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی میان جمهوری اسلامی ایران و دولت عربستان سعودی در اردیبهشت ۱۳۷۹ منعقد شده است. د- موافقتنامه حمل و نقل هوایی: پیمان دو جانبه دیگر، در سال ۱۳۷۹ میان دو کشور منعقد شد. این معاهده به حمل و نقل هوایی میان جمهوری اسلامی ایران و پادشاه عربستان سعودی مربوط است که طبعاً می تواند در زمینه مسائل مربوط به حمل و نقل حجاج نیز مورد استناد و استفاده قرار گیرد.

ه- موافقتنامه همکاریهای امنیتی: در سال ۱۳۸۰ موافقتنامه همکاریهای امنیتی میان دو دولت منعقد شد. طبق این موافقتنامه، دو دولت به برخی تعهدات امنیتی متعهد می شوند که به نظر می رسد تأمین امنیت حجاج می تواند مقتضای اوج چنین پیمانی تلقی شود. و- موافقتنامه حمل و نقل دریایی: آخرین موافقتنامه دو جانبه ایران و عربستان به همکاری در زمینه حمل و نقل دریایی مربوط است که در سال ۱۳۸۶ منعقد شده است (فضائلی، مصطفی، ۱۳۹۶، ص ۲۶).

۳-۲-۲- تعهدات چند جانبه و عام

تعهدات چند جانبه دولت‌ها از عرف‌ها و معاهدات بین‌المللی چند جانبه یا عام ناشی می‌شود. اکنون به منظور تبیین تعهدات چند جانبه دولت عربستان سعودی قابل استناد در زمینه حج و حج گزاران به نمونه‌هایی از منابع دارای این گونه تعهدات اشاره می‌کنیم. ا- تعهدات کنسولی: برقراری روابط کنسولی مانند روابط دیپلماتیک محتاج به توافق قبلی است. این توافق از حیث حقوق افراد تبعه خارجی مربوط به شرایطی است که دو دولت در عهدنامه دو جانبه معین می‌کنند، و از حیث حقوق و وظایف مأموران کنسولی تابع قواعدی

است که در سال ۱۹۶۳ در یک عهدنامه بین‌المللی تدوین شده. مهم‌ترین وظایف کنسول حفظ منافع اتباع است. منافع و حقوق بعضاً تابع قوانین کشور محل اقامت آنها است و بعضی تابع قوانین کشور متبوع آنها، در موارد اول کنسول از حقوق آنها طبق قوانین محلی دفاع می‌کند و در موارد دوم قوانین کشور خود را درباره آنان اجرا می‌کند. (صدر، جواد، ص ۱۴۰ - ۱۴۲) ایران و عربستان سعودی از اعضای این کنوانسیون (کنوانسیون راجع به حقوق کنسولی وین ۱۹۶۳) می‌باشند. بنابراین در روابط متقابل و نسبت به اتباع یکدیگر به رعایت مفاد مقررات مندرج در آن ملزم‌اند. نماینده کنسولی، وظیفه حفاظت از حقوق و منافع دولت فرستنده و اتباع آن را در کشور پذیرنده بر عهده دارد. (ماده ۵ کنوانسیون وین ۱۹۶۳) استقرار روابط کنسولی بین دول با رضایت متقابل انجام می‌گیرد. (ماده ۲) حق دسترسی و ارتباط کنسولی دو سویه میان نماینده کنسولی و اتباع دولت فرستنده، از راه مکاتبه و ملاقات وجود دارد. (ماده ۳۶) دولت پذیرنده موظف است در صورت مرگ یکی از اتباع دولت فرستنده، بدون تأخیر موضوع را به پست کنسولی که مرگ در حوزه آن اتفاق افتاده، اطلاع دهد. (ماده ۲۷) لازم به ذکر است که عدم رعایت حقوق کنسولی و قصور در انجام تعهدات دولت پذیرنده می‌تواند موجبات مسئولیت بین‌المللی آن را فراهم نماید. برای نمونه می‌توان به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه لاگران (دعوای آلمان علیه ایالات متحده آمریکا اشاره کرد) (ICJReports, ۲۰۰۱, p ۲-۳) در این پرونده، دیوان ایالات متحده آمریکا را به سبب عدم اطلاع‌رسانی بدون تأخیر نسبت به حقوق متهمان به دنبال بازداشت آنها که سبب شد دولت آلمان امکان دسترسی و تعامل با اتباعش را از دست بدهد، محکوم کرد (ICJReports, ۲۰۰۱, p ۱۸۹) بنابراین نقض این‌گونه تعهدات از سوی دولت عربستان سعودی به ویژه درباره حج گزاران، موجب مسئولیت بین‌المللی این دولت نه تنها در برابر دولت متبوع حاجیان، بلکه در قبال جامعه بین‌الملل می‌گردد.

ب- تعهدات برگرفته از منشور سازمان همکاری اسلامی (OIC): اهداف و اصول حاکم بر سازمان همکاری اسلامی به نحو مندرج در مقدمه و مواد ۱ و ۲ منشور این سازمان، باید در رفتار کشورهای عضو در همه حوزه متجلی گردد. بی‌شک حج، یکی از مهم‌ترین و شاید مهم‌ترین عرصه تبلور و تجلی اهداف و آرمان‌های اسلامی منعکس در این منشور است.

برخی از اهداف مندرج در مقدمه منشور که سازمان برای نیل به آنها تأسیس شده است عبارت‌اند از: پیشبرد حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، حکمرانی خوب، حکومت قانون، دموکراسی، پاسخ‌گویی مطابق قوانین اساسی و نظام حقوقی کشور. درک و گفت‌وگو میان تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و ادیان، هدایت و الهام گرفتن از ارزش‌های ناب اسلامی، وحدت و اخوت، با تأکید بر اهمیت و ضرورت و پیشبرد و تحکیم وحدت و انسجام میان دول عضو در تأمین منافع مشترک‌شان در سطح بین‌المللی، پاسداری و پیشبرد ارزش‌های متعالی اسلامی صلح، همدردی و شفقت، بردباری، برابری، عدالت و کرامت اسلامی. همچنین مطابق ماده نخست این منشور، اهداف سازمان عبارت است از: حمایت و دفاع از سیمای راستین اسلام به منظور زدودن غبار شبهه از چهره اسلام و ترغیب گفت‌وگو میان تمدن‌ها و ادیان، پیشبرد و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی از جمله حقوق زنان، کودکان، نوجوانان، کهن سالان، افراد دارای نیازهای خاص، تضمین حقوق کرامت و هویت مذهبی و فرهنگی جمعیت‌ها و اقلیت‌های اسلامی در کشورهای غیراسلامی. پس در ماده ۲ بر تعهد دول عضو به الهام گرفتن از آموزه‌ها و ارزش‌های ناب اسلامی در جهت تحقق اهداف مندرج در ماده یک تأکید شده است. روشن است که اجتماع بزرگ مسلمانان در موسم حج که توجه همه جهانیان را به خود جلب می‌کند، مناسب‌ترین بستر، کانون و مجموعه‌ای است که می‌تواند و باید نماد همه ارزش‌های ناب اسلامی، از وحدت، اخوت، مهربانی، رحم و شفقت تحمل، تفاهم و گفت‌وگو، عدالت، کرامت و ارزش انسانی، تا حکمرانی خوب، مدیریت شایسته، صلح، آرامش، امنیت، پاسخ‌گویی و حکومت قانون و در مجموع تجلی سیمای راستین اسلام رحمانی باشد. طبیعتاً مسئولیت این مهم عمدتاً بر عهده دولت عربستان سعودی است که اداره حرمین شریفین - این اماکن مقدس متعلق به همه مسلمانان - و برگزاری حج - این بزرگ‌ترین مراسم و کنگره جهانی اسلام - را بر عهده دارد. البته در ایفای هر چه مطلوب‌تر این مسئولیت سنگین باید از همه ظرفیت موجود در جهان اسلام بهره برده شود. کشورهای اسلامی به ویژه دولت سعودی باید زمینه‌سازی این ظرفیت را از راه سازمان همکاری اسلامی فراهم آورند. (فضائلی، مصطفی، ۱۳۹۴ صص ۲۹-۳۰).

۳-۲-۳- تعهدات عام الشمول

تعهداتی را که یک دولت و همه دولت‌ها در قبال کل جامعه بین‌المللی دارند تعهدات عام الشمول می‌گویند. منشأ این تعهدات نیز جامعه بین‌المللی در کل می‌باشد. موسسه حقوقی بین‌المللی در قطعنامه حمایت از حقوق بشر و اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها حقوق بشر را تجلی بارز کرامت انسانی تلقی و تکلیف دولت‌ها به تضمین رعایت آن را تعهد عام الشمول اعلام کرده است. تعهد عام الشمول نیاز به پذیرش معاهده یا عضویت در یک کنوانسیون یا سازمان بین‌المللی ندارد بلکه به صرف استقلال کشور و عضویت در جامعه بین‌المللی این تعهدات بر دولت عضو بار میشود. تعهدات عام الشمول در واقع مربوط به نظم عمومی بین‌المللی است. در هر جامعه منافع و مصالح و ارزش‌هایی وجود دارد که نظام حقوقی آن جامع با حفاظت از آن مانع سقوط و از هم پاشیدگی بنیان‌های اجتماعی می‌شود. در واقع ارزش‌ها و منافع عالی هر جامعه به حفظ آن موجب پدیدار شدن مفهوم نظم عمومی شده است. از سوی دیگر هر جامعه دارای ارزش‌ها و منافع عالی خاص خود است چرا که ضرورت‌های اجتماعی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و... که ارزش‌ها، مصالح و منافع هر جامعه بر آن استفاده گردیده از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. بر این اساس مبانی نظم عمومی می‌توان شامل مبانی اجتماعی و سیاسی و مذهبی و اخلاقی باشد این نظم عمومی بین‌المللی یک منبع ماهوی برای حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. به عبارتی دیگر در عالم حقوق موضوع تجلی نظم عمومی بین‌المللی را در قواعد آمره و تعهدات عام الشمول می‌بینیم. (یداله عسگری، ۱۳۹۶)

بر این اساس اگر حوادثی مانند حادثه منا برای اتباع خود دولت عربستان نیز رخ می‌داد، از سوی جامعه بین‌المللی قابل مؤاخذه بود. بنابراین دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی به طور عام دولت‌ها و نهادهای اسلامی به طور خاص، حق و بلکه وظیفه دارند درباره علل و عوامل چنین حوادثی جویا شوند و نسبت به عدم تکرار آن، طلب اطمینان تضمین کنند. اگرچه دولت عربستان سعودی عضو برخی اسناد مهم حقوق بشری همچون میثاقین نیست و به اعلامیه جهانی حقوق بشر (قطعنامه ۲۱۷ A مورخه ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ م با ۴۸ رأی مثبت و ۸ رأی ممتنع) نیز رأی ممتنع داده است. ولی قواعد بین‌المللی حقوق بشر عمدتاً جنبه عرفی

و بلکه ویژگی آمره دارند و اعضای جامعه بین‌المللی عموماً به رعایت آن متعهدند. افزون بر اینکه طبق اصول اعلام شده در منشور ملل متحد، شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیرقابل انتقال تمامی اعضای خانواده بشر، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان دانسته شده است و دولت عربستان همچون دولت‌های دیگر به احترام و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های انسان و ترویج آن در سراسر جهان متعهد می‌باشد. ضمن اینکه در قانون اساسی خود بر تعهد به رعایت حقوق بشر مطابق با شریعت اسلام تصریح کرده است. (ماده ۲۶).^۱

۴- حق مطالبه گری بین‌المللی بزه دیدگان فاجعه منا در مراجع ذیصلاح

پس از احراز شرایط مسئولیت بین‌المللی دولت امکان طرح آن در چارچوب ساز و کارهای بین‌المللی فراهم می‌شود. در خصوص حادثه منا، چنانچه اختلاف بین‌المللی حل و فصل نگردد امکان طرح مسئولیت بین‌المللی عربستان در مراجع حقوقی و سیاسی وجود خواهد داشت.

۴-۱- راهکارهای قضایی و حقوقی

منظور از راهکارهای حقوقی، نهادهایی است که قضات بی‌طرف در آن حکم صادر می‌کنند. این نهاد به دو دسته محاکم بین‌المللی و محاکم ملی تقسیم می‌شوند.

۴-۱-۱- محاکم بین‌المللی

برخی محاکم بین‌المللی که امکان طرح مسئولیت عربستان ناشی از حادثه منا در آنها وجود دارد. مورد بررسی قرار می‌گیرد.

أ- دیوان بین‌المللی دادگستری:

عالی‌ترین نهاد قضایی جهان و یکی از شش رکن اصلی سازمان ملل متحد. مرکب از ۱۵ قاضی است که نباید دارای تابعیت مشابهی باشند و از میان اشخاصی انتخاب می‌شوند

که از اعتبار معنوی قابل ملاحظه‌ای در کشور خود برخوردارند و دارای مشاغل مهم قضایی بوده و یا حقوقدانان و متخصصان حقوق بین الملل هستند (مواد ۲ و ۳ اساسنامه دیوان) این قضات غیرقابل غزل هستند مگر در صورتی که سایر قضات متفقا رای دهند که دیگر آن عضو واجد شرایط مقرر نیست (ماده ۱۸ اساسنامه) قضات دیوان برای مدت ۹ سال انتخاب می‌شوند و تجدید آنان بدون مانع است. دیوان بین‌المللی دادگستری دارای صلاحیت شخصی صلاحیت ترافیعی و صلاحیت مشورتی است و آرایه که صادر می‌کند طبق بند یک ماده ۹۴ منشور الزام آور، قطعی و دارای ضمانت اجرا طبق بند ۹۴ منشور سازمان ملل متحد است و زبان رسمی دیوان فرانسوی، انگلیسی است و مقرر آن شهر لاهه هلند (کاخ صلح) است. لازم به ذکر است فقط دولت‌ها حق حضور و دفاع در دیوان را دارند و می‌توانند طرف دعوای ترافیعی به دیوان مراجعه کنند. انحصار حق حضور در دیوان به دولت‌ها، به این معنی نیست که اختلافات ارجاعی به دیوان هرگز به افراد مربوط نمی‌شود. بلکه آنان نیز می‌توانند با توسل به اصل حمایت دیپلماتیک از کشور متبوع خود بخواهند که به نفع آنان از دیوان تقاضای رسیدگی کند، هر چند، دعوا به نام دولت خواهد بود و اگر دولت متبوع فرد زیان دیده تمایلی به طرح دعوا و اعمال حمایت از اتباع خود نداشته باشد، زیان دیده به خودی خود امکان طرح دعوا در دیوان را نخواهد داشت (نافعه، ص ۱۱۳، شاو، ص ۱۰۷۲ و میرعباسی و سادات میدانی، ج ۱، ص ص ۳۲۰-۳۲۷). صلاحیت ترافیعی دیوان، مبتنی بر رضایت کشورهای طرف دعوی است. و دیوان پس از ورود به ماهیت اختلاف، باید این امر را احراز کند. حتی اگر دولتی تعهدات در قبال جامعه بین‌المللی (عام الشمول) یا قواعد آمره (قواعدی مانند دفاع از افراد در مقابل بردگی و تبعیض نژادی و نیز نسل‌کشی و نقض حقوق بشر که جامعه بین‌المللی آنها را پذیرفته و هر معاهده‌ای که آنها را نادیده گیرد از درجه اعتبار ساقط است) را نقض کرده باشد. ابتدا باید صلاحیت دیوان برای رسیدگی احراز شود (ضیائی بیگدلی، ص ص ۱۶۲ - ۱۶۷). لذا به نظر می‌رسد، طرح شکایت ایران تحت اصل حمایت سیاسی و دیپلماتیک از اتباعش در دیوان منتفی است. چرا که هر دو طرف بایستی صلاحیت دیوان در خصوص موضوع مورد منازعه را به رسمیت بشناسند یا پیشتر اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری دیوان در حل و فصل اختلافات فی ما بین را پذیرفته

باشند. مورد دوم که مورد پذیرش واقع نشده، در مورد اول نیز بعید به نظر می‌رسد دولت عربستان صلاحیت دیوان در این زمینه را به رسمیت شناخته و موافق احاله دعوی به این نهاد حقوقی باشد. عربستان سعودی که استدلال می‌کند «ایران از حادثه منا، قصد بهره برداری سیاسی دارد» دور از ذهن است که رضایتش را برای اینکه طرف دعوی قرار بگیرد، ابراز دارد. البته برخی کشورها اعلامیه صلاحیت اجباری دیوان برای رسیدگی به اختلافات توسط این نهاد را تصویب کرده اند، اما نه ایران و نه عربستان هیچ یک این اعلامیه را تصویب نکرده اند. بنابراین دیوان از چنین صلاحیتی برای بررسی این موضوع برخوردار نخواهد بود (سلیمیان، ۱۳۹۵، ص ۶۰).

ب- دیوان بین المللی کیفری:

این دیوان در سال ۲۰۰۲ آغاز به کار نمود و تا کنون چهار جنایت بین المللی را در صلاحیت خود قرار داده است که عبارتند از جرم نسل کشی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی، تجاوز که دو نوع از عناوین مجرمانه در زمان جنگ محقق می‌شود و دو عنوان دیگر جنایت علیه بشریت و نسل کشی که ادعای وقوع نسل کشی در خصوص این حادثه معقول است. نکته ای که باید در ارتباط با این جنایات در نظر داشت این است که همه این جنایات عمدی است، بنابراین اگر ثابت شود که فاجعه منا ناشی از بی مبالاتی بوده و عمدی نبوده است، دیوان بین المللی کیفری دیگر صلاحیت نخواهد داشت و اگر در حادثه منا عمدی وجود داشته باشد و تمامی شرایط لازم برای تحقق جنایت نسل کشی یا جنایت علیه بشریت محقق شده باشد، در این صورت با توجه به این واقعیت که دولت عربستان از اعضای دیوان بین المللی کیفری نیست، دیوان تنها در دو حالت صلاحیت رسیدگی دارد که حالت اول مبتنی بر بند ب ماده ۱۳ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری است و بر اساس آن شورای امنیت سازمان ملل وضعیتی که احتمال می‌دهد یکی از جنایات تحت صلاحیت دیوان در آن ارتکاب یافته است را به دادستان ارجاع می‌دهد و این ارجاع زمانی محقق می‌شود که شورای امنیت به موجب قطعنامه فصل هفتم خود اتخاذ تصمیم کند. حالت دوم مستند به بند ج اساسنامه مبتنی بر بند یک ماده ۱۵ آن است که دادستان دیوان راساً تحقیقات را آغاز

می‌کند. با اینکه دیوان بین‌المللی کیفری چنین صلاحیتی را برخوردار است اما توسل به آن تقریباً غیر ممکن است.

لازم به ذکر است نظام کیفری بین‌المللی مبتنی بر مسئولیت کیفری فردی است. اندیشه‌ای که در ورای گنجاندن این اصل در اساسنامه وجود داشته است آن بوده که چرا باید مقاماتی که شخصاً تصمیمات نهایی ناقض حقوق بشردوستانه را اتخاذ می‌کنند باید بتوانند در سنگر تصمیم جمعی منسوب به شخصیت حقوقی دولت پنهان شوند و از کیفر برهند. در هر کشوری متناسب با ساختار سیاسی آن کشور بالاترین مقام اجرایی یا سیاسی یا نظامی محسوب می‌گردند و وقتی در محدوده حاکمیتی آنها جنایتی بین‌المللی حادث می‌گردد اولین کسی که مسئول جنایت تلقی می‌گردد خود رئیس مملکت خواهد بود. در صورتی که واقعاً در ارتکاب جنایات نقشی مستقیم نداشته باشد و معاونان و وزرا و زیردستان او خودسرانه مرتکب عمل جنایت بار شده باشند و باید کوچکترین تردیدی در محاکمه و مجازات مرتکب در محدوده سرزمینی کشور با توسل به قوه قضاییه برخوردار از استانداردهای رسیدگی عادلانه و منصفانه به خود راه ندهند. (ماده ۲۵ اساسنامه دیوان) ضمناً ذکر این نکته هم ضروری است که در جریان مذاکرات مقدماتی اساسنامه برخی از دولت‌ها مانند فرانسه تلاش نمودند تا اشخاص حقوقی را نیز تحت صلاحیت دیوان قرار دهند. اما با توجه به اینکه نظام حقوقی برخی کشورها افراد حقوقی را از شمول قوانین کیفری خارج می‌دانند. این ایده مورد پذیرش تصمیم‌گیران واقع نگردید (ویلیام، شبث، ۱۳۸۴ ص ۱۰۸، به نقل از عسگری یداله ۱۳۹۶)

ج- دیوان بین‌المللی عدالت اسلامی: دیوان بین‌المللی عدالت اسلامی یکی از ارکان سازمان کنفرانس اسلامی است که در سال ۱۹۸۷ در کویت تأسیس گردید اما هنوز رسماً آغاز به کار نکرده است. با شروع به کار این دیوان اعضای کنفرانس اسلامی که عضو دیوان نیز باشند، می‌توانند راجع به نقض یک تعهد بین‌المللی، ماهیت یا قلمروی جبران خسارت ناشی از نقض یک تعهد و حل و فصل اختلافات میان اعضا به این دیوان مراجعه نمایند. چنانچه دیوان آغاز به کار نماید و صلاحیت آن نیز به گذشته عطف گردد، یکی از ظرفیت‌های طرح مسئولیت بین‌المللی علیه دولت عربستان خواهد بود.

د- داوری بین‌المللی: یکی از روش‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی مراجعه به داوری بین‌المللی است که در این صورت لازم است دو طرف اختلاف طی موافقتنامه‌ای آن را به داوری ارجاع دهند. انتخاب داور از سوی طرف‌ها اجرای رأی داوری را بیشتر تضمین می‌کند. هرچند عربستان سعودی در برخی از دعاوی منطقی طرف داوری بین‌المللی قرار گرفته است. اما بعید است در این گونه اختلافات (حادثه منا) وارد داوری بین‌المللی گردد.

۴-۱-۲- محاکم ملی

أ- محاکم ایران: بر اساس ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هرگاه شخص خارجی در خارج از قلمرو ایران، مرتکب جرمی علیه یک ایرانی گردد و در ایران یافت یا به ایران اعاده شود، امکان رسیدگی به جرم او مطابق قوانین ایران وجود دارد. اگر فرض کنیم دولت عربستان یا مقامات امنیتی و انتظامی آن، مرتکب جرمی علیه اتباع ایرانی در فاجعه منا شده‌اند، چنانچه هر یک از مجرمان در ایران پیدا شوند یا به ایران مسترد گردند، می‌توان آنها را در دادگاه‌های ایران محاکمه کرد. بدین ترتیب، شرط اول، احراز وقوع جرم از سوی مقامات عربستانی است و شرط دوم این است که مجرمان یاد شده در ایران پیدا شوند یا به ایران استرداد گردند. شایان ذکر است هیچ کشوری به استرداد اتباع خود به کشور خارجی متقاضی استرداد متعهد نیست و مطابق ماده ۲۴ دستور ملوکانه ملک فهد در سال ۱۹۹۲ استرداد منوط به وجود موافقت‌نامه یا با رعایت قانون است. افزون بر اینکه به موجب مقررات معاهده ۱۹۵۲ قاهره در خصوص اجرای احکام خارجی صادره میان دولتهای عضو اتحادیه عرب که دولت عربستان نیز به عضویت آن درآمده است، استرداد اتباع متهم به کشورهای دیگر از سوی هر یک از دولتهای عضو منوط به صلاح دید مقامات دولت متبوع متهم است. نباید از نظر دور داشت که اگر وقایع فاجعه منا را حتی مبتنی بر بی‌مبالاتی بدانیم، مستند به مواد ۱۴۴ و ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی، وقوع جرم محرز است و مسئولیت کیفری فردی بنا به ماده ۱۴۱ همین قانون قابل تحقق خواهد بود. راهکار دیگر توسل به مقررات عهدنامه مودت ایران و دولت حجاز و نجد مورخه ۱۳۰۸ و معاهده ۱۹۸۳ ریاض در خصوص همکاری

های قضایی میان دولتهای عضو اتحادیه عرب است. در عهدنامه ۱۳۰۸ که معادل ۱۹۲۹ میلادی است، نامی از دولت عربستان نیامده، ولی ملک عبد العزیز، بنیان گذار حکومت آل سعود، منطقه حجاز را در سال ۱۹۲۴ تحت تصرف خود درآورده و شاه این سرزمین تلقی شده است. از این رو، اگر مباحث و استدلال های ناظر بر جانشینی دولتها در معاهدات بین المللی، تسری مفاد این عهدنامه را به دولت عربستان توجیه کند (کراون ۱، ۱۹۹۸، ص ص ۱۴۲-۱۴۶). بند سوم این سند به اعمال شرط «کامله الوداد» در تمتع هر طرف از حقوق و مزایا در سرزمین دولت دیگر قائل شده است (بروید ۲، ۲۰۱۰، ص ص ۵۵۲-۵۶۵). پادشاه حکومت حجاز، نجد و ملحقات آن متعهد شده با حجاج ایرانی از هر نظر مانند دیگر زائران خانه خدا رفتار کند و اجازه ندهد برای حجاج ایرانی در ادای مناسک حج و فرایض دینی آنها هیچ گونه مشکلاتی پدید آید و به تأمین وسایل امنیت، آسایش و اطمینان آنها متعهد شده است (ساعد و کیل، ۱۳۹۵، ص ۹۱).

ب- محاکم ملی عربستان: از آنجا که دولتها در مقابل محاکم ملی مصونیت ندارند، اولین گزینه رجوع به محاکم ملی عربستان است. طرح دعوی در این دادگاه علیه دولت عربستان لازم است طبق حقوق داخلی عربستان و تعهدات بین المللی آن دولت باشد. برخی دولت ها رویه صدور حکم علیه دولت خود را داشته اند. (محکومیت تحریم بانک ملی ایران از سوی دولت انگلستان در دادگاه انگلستان). رجوع به دادگاه های داخلی عربستان سعودی از دو منظر اهمیت دارد: یکی اینکه زیان دیدگان یا دادستان کل کشور به نمایندگی از زیان دیدگان به اقامه دعاوی جبران خسارت در دادگاه های عربستان سعودی اقدام کند. دوم اینکه، رجوع به دادگاه های داخلی عربستان شرط ضروری رجوع بعدی به محاکم بین المللی برای اقامه دعوی علیه دولت عربستان سعودی است. به بیان دیگر، صلاحیت محاکم بین المللی در طول دادگاه های داخلی است، نه در عرض آن. توضیح آنکه، بر اساس قواعد حقوق بین المللی دولتهای متبوع قربانیان می توانند با حمایت دیپلماتیک از تبعه خودشان به مسئولیت دولت ناقض تعهدات بین الملل حقوق بشر استناد کنند، چنان که ماده ۴۴ طرح مسئولیت

۱. Craven -
۲. Broude -

دولت تصریح کرده است. دو مسئولیت دولت را نمی‌توان مورد استناد قرار داد مگر: الف) ادعا مطابق با هر قاعده قابل اعمال مربوط به تابعیت دعاوی اقامه نشده باشد. ب) ادعا به گونه ای باشد که طی قاعده مقدماتی مراجع داخلی شامل آن می‌شود و هر مرجع داخلی و موثر و در دسترس طی نشده باشد. بنابراین اقامه دعاوی در دادگاه های عربستان اصولاً مقدمه لازم اقامه دعاوی در محاکم بین المللی است. لیکن در مواردی ممکن است شخص زیان دیده از قاعده طی جبران های داخلی معاف شود. این استناد ویژه هنگامی می‌تواند رخ دهد که هیچ امیدی به نهاد ها و محاکم داخلی دولت مسئول وجود نداشته باشد. ماده ۱۵ طرح حمایت دیپلماتیک طی جبران های داخلی را در موارد زیر لازم ندانسته است: الف) هیچ مرجع داخلی که قادر به ارائه جبران موثر باشد، وجود نداشته باشد یا اساساً نظام های جبران خسارت داخلی امکان معقولی برای چنین جبرانی ارائه ندهند. ب) تأخیر ناروا در فرآیند های جبران خسارت که به دولت مسئول طرف دعوی قابل انتساب باشد؛ یعنی هیچ ارتباط مناسبی میان شخص زیان دیده و دولت مسئول ادعایی در روز آسیب وجود نداشته باشد. ج) شخص زیان دیده آشکارا از پیگیری نظام های جبران خسارت دخلی باز داشته شده باشد. د) دولت مسئول طرف دعوی از الزام طی قاعده نظام های جبران خسارت داخلی صرف نظر کرده باشد. بدیهی است احراز هر یک از مصادیق فوق درباره حادثه منا، افزون بر گذشت زمان معقول، مستلزم شناخت دقیق مراجع حقوقی و اداری عربستان سعودی از یک سو و رویه این دولت در جبران خسارت حجاج در موارد مشابه است (عبدالهی، ۱۳۹۴، ص ص ۱۲۰-۱۲۱). به نظر می‌رسد دو راهکار برای رجوع به محاکم داخلی عربستان وجود دارد. یکی اینکه به استناد ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که مقرر می‌دارد «دادستان کل کشور مکلف است در جرایم راجع به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی که نیاز به طرح دعوی دارد، از طریق مراجع ذیصلاح داخلی، خارجی و یا بین‌المللی پیگیری و نظارت نماید» دادستان کل کشور به استناد منافع و مصالح ملی و به نمایندگی از زیان‌دیدگان حادثه منا در دادگاه‌های داخلی عربستان دعوا اقامه کند. البته در صورتی که مطابق مقررات داخلی عربستان در زمینه آیین دادرسی ورود مقامات قضایی دیگر کشورها اصالتاً یا به نیابت از اتباع آن کشورها ممنوع نشده باشد و یا اجازه قانونی صریحی وجود نداشته باشد، به ویژه با لحاظ

روابط سیاسی و دیپلماتیک عربستان سعودی و وضعیت خاص محاکم داخلی این کشور، بعید است به پذیرش دعاوی دادستان کل کشور امیدی داشته باشیم. راهکار دوم این است که به استناد صلاحیت سرزمینی قوانین کیفری که از اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل شمرده می‌شود، با فرض اینکه فاجعه منا را امری کیفری توصیف کنیم - و یا اعمال قاعده قانون محلی در دعاوی راجع به شبه جرم و مسئولیت مدنی که از قواعد حل تعارض پذیرفته شده در بیشتر نظام‌های حقوق داخلی است، زیان‌دیدگاه یا وارثان آنان شخصاً یا از طریق وکلایی که به نظام حقوقی عربستان آشنایی دارند، در دادگاه‌های حقوقی یا کیفری عربستان دعاوی خسارت فوت یا صدمه‌های بدنی را مطالبه کنند (امینی و عابدی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۰).

۴-۱-۳- راهکارهای غیر حقوقی و شبه قضایی و سیاسی

الف: کمیته حقیقت‌یاب: کمیته حقیقت‌یاب یک شیوه شبه قضایی است به این معنا که هر چند اعضای آن کارشناسان حقوقی هستند اما تصمیم آنها بر خلاف محاکم قضایی و داوری الزام‌آور نخواهد بود. این شیوه که مورد تأکید رهبر انقلاب اسلامی در خصوص حادثه منا قرار گرفت. بارها از سوی کشورهای مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. تشکیل کمیته حقیقت‌یاب به دو گونه امکان‌پذیر خواهد بود. در شیوه اول در کشور کارشناسان حقوقی خود را تعیین می‌کنند تا نسبت به تهیه گزارشی اقدام نمایند. در شیوه دیگر، یک کشور یا یک سازمان بین‌المللی بی‌طرف نسبت به تشکیل کمیته حقیقت‌یاب اقدام می‌نماید. تشکیل کمیته حقیقت‌یاب در چارچوب سازمان ملل متحد پیش‌بینی شده است. مجمع عمومی ملل متحد اعلامیه‌ای را ذیل قطعنامه ۴۶/۵۹ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۱ تصویب نمود که این قطعنامه بر نقش کمیته‌های حقیقت‌یاب در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تأکید نمود.

ب: شورای حقوق بشر: شورای حقوق بشر که جایگزین کمیسیون حقوق بشر گردید به عنوان یکی از ارکان فرعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد فعالیت می‌کند. بر اساس سازوکار ارزیابی دوره‌ای جهانی شورای حقوق بشر، وضعیت حقوق بشر تمام کشورها در سال‌های اخیر مورد بررسی قرار می‌گیرد و نقاط قوت و ضعف حقوق بشر از سوی سایر دولت‌ها مطرح می‌شود. در این شیوه، هر کشوری می‌تواند توصیه‌هایی را برای حفظ حقوق

بشر در آن کشور مطرح نماید. در این رابطه عربستان سعودی در سال ۲۰۰۹ از سوی شورای حقوق بشر مورد ارزیابی قرار گرفته است و کشورهای مختلفی نسبت به وضعیت حقوق بشر این کشور اظهار نظر نموده‌اند. نقض احترام به حقوق بشر در مناسک حج و رفتار نامتناسب با زائرین بخشی از اعتراضات کشورها به دولت این کشور بوده است.

ج: سازمان‌های بین‌المللی: یکی از سازکارهای تعقیب اختلافات بین‌المللی صدور قطعنامه در سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار است. در رابطه با موضوع حادثه منا مجمع عمومی سازمان ملل متحد، شورای امنیت سازمان ملل متحد، شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، کمیته حقوق بشر، سازمان اجتماعی فرهنگی ملل متحد (یونسکو) سازمان جهانی جهانگردی، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه کشورهای عرب، شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه بین‌المجالس از جمله سازمان‌های بین‌المللی هستند که می‌توانند نسبت به صدور قطعنامه و محکومیت عربستان اقدام نمایند. صدور قطعنامه در این سازمان‌ها اولاً نیاز به طراحی پیش‌نویس قطعنامه‌ای دارد که رأی اکثریت اعضا را جلب نماید و ثانیاً به جز تصمیمات شورای امنیت، قطعنامه سایر نهادها لازم‌الاجرا نیست. همچنین در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی این امکان وجود دارد تا گزارشگر ویژه‌ای برای رسیدگی به موضوع انتخاب شود. یکی از ظرفیت‌های سازمان ملل متحد و همچنین سازمان همکاری کشورهای اسلامی، انتخاب گزارشگر ویژه است. انتخاب چند نفر با رأی حداکثری دولتهای عضو سازمان اخیر و لزوم حضور مستمر این افراد در سرزمین وحی و برخوردار بودن از آزادی عمل در تهیه گزارش و داشتن امنیت کافی و کامل نسبت گزارش‌های تهیه شده، می‌تواند کمک شایانی به حجاج نماید (راعی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۸). لازم به ذکر است که طرح مسئولیت بین‌المللی موجب می‌شود تا کشور مسئول خسارت پیش آمده را جبران نماید. طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل از شیوه‌های اعاده وضع به حال سابق، توقف عمل متخلفانه، تضمین به عدم تکرار عمل متخلفانه، پرداخت غرامت، جلب رضایت به عنوان روش‌های جبران خسارت نام برده است. همچنین رویه دیوان بین‌المللی دادگستری نشان داده است که از نظر دیوان صرف محکومیت دولت در یک مرجع بین‌المللی می‌تواند جبران خسارت برای دولت خواهان محسوب شود.

۵- نتیجه‌گیری

فاجعه منا در حج سال ۱۳۹۴ شمسی در نتیجه ناکارآمدی و بحران مدیریتی دولت سعودی بوده، به طوری که سوء مدیریتی هم در مرحله قبل از وقوع حادثه (پیشگیری) هم در مرحله بروز حادثه (هدایت و کنترل) و هم در مرحله پس از وقوع فاجعه (مدیریت) کاملاً مشخص و محرز بوده است و ارکان اثبات فعل متخلفانه بین‌المللی دولت سعودی به موجب طرح مسئولیت بین‌المللی دولت مصوب ۲۰۰۱ قابلیت انتساب و نقص تعهدات بین‌المللی محقق بوده است. ولی از آنجایی که دولت سعودی عضو هیچ یک از اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نبوده و به اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ نپیوسته است. حق مطالبه گری بین‌المللی در خصوص حقوق اتباع بزه دیده و قربانی دولت‌ها را علیه دولت سعودی دشوار می‌سازد. ولی نظر به اینکه قواعد بین‌المللی حقوق بشر عمدتاً جنبه عرفی و ویژگی قواعد آمره را دارند و اعضای جامع بین‌المللی عموماً به رعایت آن متعهدند. افزون بر اینکه طبق اصول اعلام شده در منشور ملل متحده شناسایی حیثیت ذاتی حقوق برابر و غیر قابل انتقال تمامی اعضای خانواده بشر، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان دانسته شده است، و دولت عربستان همچون دولت‌های دیگر با احترام و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های انسان و ترویج آن در سراسر جهان متعهد می‌باشد. و در صورت متخلفانه بودن فعل ارتكابی و نقض تعهد بین‌المللی دارای مسئولیت بین‌المللی بوده و دولت‌ها در صورت حمایت از اتباع خویش می‌توانند از طریق سازوکارهای حقوقی و حتی غیر حقوقی و سیاسی در مراجع ذیصلاح بین‌المللی با توجه به صلاحیت مراجع مزبور علیه دولت سعودی طرح دعوی نمایند. مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان به دو صورت قابل طرح است. اول. طرح مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان از سوی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نقض تعهدات عربستان در برابر دولت ایران و دوم طرح مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان از سوی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نقض تعهدات عربستان در برابر اتباع ایران است که در این حالت طرح مسئولیت در چارچوب حمایت دیپلماتیک صورت می‌گیرد. با توجه به مقررات و تعهدات بین‌المللی دولتها و با قبول اینکه فاجعه منا به صورت عمدی و نظام مند

نبوده و ناشی از سوء مدیریت، بی تدبیری، و ناکارآمدی سران و مقامات دولت عربستان در اداره حج حادث شده است، دولت سعودی به جهت اینکه مرتکب نقض تعهد بین المللی (که مهمترین آنها عبارتند از ۱- ایفا نکردن به تعهدات قراردادی بین المللی ۲- ارائه ندادن اطلاعات دقیق در خصوص قربانیان فاجعه منا و بی حرمتی به اجساد آنها ۳- تعلل در امداد رسانی به حجاج منا و انتقال اجساد قربانیان و تعقیب نکردن قضایی متخلفان و مسئولان فاجعه) متعهد به جبران خسارت بر اساس تعهدات قراردادی و عرف بین المللی بوده است، و در صورت عدم پذیرش مسئولیت، دولتهای دیگر در راستای حمایت اتباع بزه دیده خود می توانند با توجه به نوع فعل ارتكابی متخلفانه و نقض تعهدات بین المللی در مراجع صالح بین المللی (با وجود ظرفیت ها و محدودیت های مراجع بین المللی) اقدام به مطالبه گری حقوق قربانیان و اتباع خویش نمایند.

منابع و مأخذ

الف- منابع فارسی

- آذری آغاجری، بهزاد (۱۳۸۸)، مسئولیت بین المللی دولت ها در قبال اعمال خشونت آمیز اشخاص حقیقی در چار چوب تروریسم، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و سوم، شماره ۴، ص ص ۱۱۶۵-۱۱۹۸.
- امین، سید محسن (۱۴۱۰ ق)، کشف الارتیاب: تاریخ و نقد وهابیت، نشر دار الکتب الاسلامی.
- امینی، اعظم، عابدی، محمد (۱۳۹۵)، امکان‌سنجی حل و فصل اختلاف‌ها در فاجعه منا: راهکار حقوقی یا توافق دیپلماتیک، فصلنامه علوم سیاسی، سال نوزدهم، شماره ۷۳، ص ص ۱۲۹-۱۵۰.
- میرعباسی، سید باقر؛ سادات میدانی، سید حسین (۱۳۸۴)، دادرسی‌های بین‌المللی دیوان بین‌المللی دادگستری در تئوری و عمل، تهران، انتشارات جنگل.
- راعی، مسعود (۱۳۹۳)، حج و حقوق بشر، تهران، نشر مشعر.
- ساعد وکیل، امیر (۱۳۹۵)، بررسی ظرفیت‌های حقوقی در واکنش به فاجعه منا، فصلنامه علوم سیاسی، سال نوزدهم، شماره ۷۳، ص ص ۸۳-۹۹.
- سلیمیان، ابوالفضل؛ دریایی، سعید (۱۳۹۵)، بررسی حادثه منا از منظر حقوق بشر و حقوق بین‌الملل، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ص ص ۵۱-۶۸.
- شاکریان، شاهرخ؛ فقیری، شکوه (۱۳۷۸)، مجموعه کنوانسیون‌های بین‌المللی، ج ۳، تهران، اداره کل قوانین ریاست جمهوری، اداره چاپ و انتشار.
- صدر، جواد (۱۳۹۶)، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، چاپ پانزدهم، تهران، نشر انتشارات دانشگاه تهران.
- ضیایی، سید یاسر (۱۳۹۵)، فاجعه منا از منظر حقوق بین‌الملل (کتاب ابعاد حقوقی فاجعه منا)، قم، انتشارات پژوهشگاه حج و زیارت.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۵)، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ بیست و هفتم، تهران، نشر گنج دانش.
- عباسی، محمود (۱۳۹۴)، بررسی مسائل حقوقی مربوط به حادثه منای روزنامه قانون، شماره ۶۳۶، ص ۶.
- عبداللهی، محسن (۱۳۹۴) مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان سعودی برای واقعه منای سال ۱۳۹۴، فصل نامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱۸، شماره ۷۲، ص ص ۱۱۳-۱۴۵.
- علیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۸۲)، موسم بیداری، تهران، نشر مشعر.
- فضائلی، مصطفی (۱۳۹۶)، تعهدات عربستان سعودی در قبال زائران و حج‌گزاران در آینه شریعت، حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل، حقوق اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۵۲، ص ص ۷-۴۰.
- محلثی، جواد (۱۳۷۴)، در حریم حرم: سفرنامه حج سال ۱۳۷۴، تهران، نشر مشعر.
- محمدری شهری، محمد (۱۳۸۳)، برکات سرزمین ری، ج ۶، تهران، نشر مشعر.
- نافعه، حسن (۱۹۹۵ م)، الامم المتحدة فی نصف قرن، دراسة فی تطور التنظيم الدولي منذ ۱۹۴۵، الكويت، المجلس الوطني للثقافة والفنون والآداب.
- نجاتی، محمد سعید (۱۳۹۴)، نگاهی به تاریخ منا و حوادث آن، فصلنامه میقات حج، دوره بیست و چهار، شماره ۹۳، ص ص ۱۱۷-۱۴۲.
- نصیری، محمد (۱۳۷۵)، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ سوم، تهران، نشر آگاه.
- نگوین، کک دین؛ دیپه، پاتریک؛ پله، آلن (۱۳۸۲)، حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه: حسن حبیبی، تهران نشر اطلاعات.
- عسگر، یداله، ۱۳۹۶ «مسئولیت حمایت، تحول حاکمیت در پرتو جنبش‌های حقوق بشری» چاپ اول، نشر میزان
- نصرت الله، حلمی، ۱۳۹۵ «مسئولیت بین‌المللی دولت و حمایت سیاسی» چاپ سوم، نشر میزان

ب: منابع لاتین

- Broude, Tomer (2010), The Most- Favoured Nation principle, Equal protection and Migration policy, George Town university Law center.
- C.R.Craven, Matthew (1998), the problem of state succession and the Identity of states under International law.
- Danwood Mzikenge Chirwa :The Doctrine of State Responsibility as a Potential Means of Holding Private Actors Accountable For Human Rights “ Melbourne Journal of International Law :Vol .5 (2004)
- w.w.w.btselem.org/separation- barrier/beit-surik-ruling.
- www.slideshare.net/alnadath 24/list-of the killed- person-in-hajj (2015.)
- United nations treaty collection :https// treaties. Un.org
- Vienna convention on the consular relations 1963
- optional protocol concerning the compulsory settlement of disputes 1963
- http: w.w.w. farsnews. Com /fa/news/419211/
- http :w.w.w. dadneger . ir / Saudi -arabia
- Icg.reports. 2001.
- Ian Brownlie ; System of the law of Nations; State Responsibility Part 1(1983):p .9
- Ian Brownlie :Principle of Public International Law (5 th ed 1998) ;pp . 435-6
- Mena catastrophe and international claim right (Iranian pilgrims offense)